

## نقش راهبردی رود نیل در همگرایی یا واگرایی کشورها و میزان تأثیرگذاری رژیم صهیونیستی و آمریکا در این مسئله

دکتر هادی اعظمی

استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد  
aazami@um.ac.ir

### چکیده

امروزه، آب به صورت ماده رقابتی و مطلوب و در عین حال عامل نگران کننده زندگی بشر وارد عرصه مناسبات و مناقشات دولت‌ها شده است. ارزش‌های بی‌شمار آب، آن را به کالایی ارزشمند نزد دولت‌ها و ملت‌ها تبدیل کرده است. با توجه به نیاز روزافزون به آب، این ماده حیاتی عنصر سیاسی و نیز ارزش سیاسی مهم قلمداد می‌شود. گفتنی است که فقط حدود ۲٫۵ درصد آب‌های جهان شیرین و بقیه شورند و از مجموع آب‌های شیرین نیز تنها ۰٫۳ درصد قابل تجدید است. از سوی دیگر دسترسی به آب بنا به دلایل بسیاری مشکل شده است؛ از جمله مصرف بی‌رویه به دلیل افزایش شدید جمعیت، صنعتی شدن و تغییر الگوی مصرف، عدم توزیع یکنواخت در کشورها، تخلیه، شور شدن و آلودگی ذخایر زیرزمینی آب شیرین، آلودگی شدید آب‌های شیرین سطحی به وسیله فعالیت‌های مختلف بشر همچون فعالیت‌های اقتصادی، اشتراک منابع آب بسیاری از رودخانه‌ها بین کشورهای متعدد، تسلط کشورهای بالادست و وابستگی کشورهای پایین دست رودخانه‌های بین‌المللی و ... . آب که از آن به عنوان کالای استراتژیک، منبع نادر، مایه حیات و طلای آبی یاد می‌کنند، از ابزارهای رقابت بین کشورها و از چالش‌های موجود جهان است که در آینده ستیزها و جنگ‌هایی را به دنبال خواهد داشت. موضوع دسترسی به منابع آبی آن قدر اهمیت پیدا کرده است که بسیاری از کشورها از جمله رژیم صهیونیستی، تا سرحد امکان، دخالت در مبدأ، مسیر و مقصد منابع آب کشورهای اطراف و حتی فراتر از آن را برای خود جایز می‌شمارند. با توجه به پیوند امنیتی رژیم صهیونیستی با دریای سرخ، فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی در کشورهای منطقه و وجود منابع نفتی در برخی از کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی و آمریکا و حتی انگلستان هرگاه لازم ببینند، برای حفظ منافع خود در منطقه دخالت و اعمال نفوذ می‌نمایند و از همگرایی‌ها یا واگرایی‌ها حمایت می‌کنند. این مقاله سعی کرده است به روش توصیفی-تحلیلی، نقش راهبردی رود نیل در همگرایی یا واگرایی کشورها و میزان تأثیرگذاری رژیم صهیونیستی و آمریکا را در این مسئله بررسی کند.

**واژه‌های کلیدی:** ژئوپلیتیک آب، همگرایی، واگرایی، رودخانه نیل.

### مقدمه

افزایش شدید جمعیت و فرایند توسعه از عوامل اصلی افزایش تقاضای آب بوده و موجب بروز مشکلات و محدودیت‌های شدیدی شده است، به گونه‌ای که امکان تنش و درگیری میان دولت‌ها و ملت‌ها بر سر منابع آب روزبه‌روز افزایش می‌یابد. محدودیت منابع آب و توزیع نامتناسب و متفاوت مکانی و زمانی آن در سطح جهان بر این مشکلات می‌افزاید.

اهمیت آب به‌عنوان کالایی کمیاب در حال افزایش است. علت کمیابی آب، افزایش جمعیت، تشدید آبیاری و الگوهای آب و هوایی پیش‌بینی‌ناشدنی است که خود ناشی از گرم‌شدن زمین است. براساس آمار مؤسسه مدیریت آب بین‌المللی، تا سال ۲۰۲۵م، دسترسی یک‌سوم جمعیت جهان به آب کم خواهد شد. خسارت کم‌آبی وارد شده به کشورهای در حال توسعه، ناشی از کمبود آب آشامیدنی و رعایت نکردن اصول بهداشتی است که با توسعه سریع، افزایش جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر بدتر شده است. در آینده، کشورهای در حال توسعه به‌احتمال زیاد با پاره‌ای درگیری‌ها و تنش‌های آبی روبه‌رو خواهند شد که ناشی از کمبود مکانیسم همکاری بین کشورهای در حال توسعه در مورد مدیریت منابع آب است.

گذشته از منازعات بین‌المللی، در سطح داخلی کشورها نیز آب موجب کشمکش بین ساکنان روستا و شهر است. این پدیده در مناطق خشک و صحرایی برای تصاحب منابع آب بیشتر نمود دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۷۹: ۵۸).

بیش از ۷۰ درصد سطح کره زمین را آب فراگرفته است؛ اما تنها بین ۲/۵ تا ۳ درصد از این منبع عظیم را آب‌های شیرین به خود اختصاص داده است. تباهی و نابودسازی آب‌های شیرین رفته‌رفته به مشکل بزرگی تبدیل شده و احتمال بروز کشمکش‌های درون‌مرزی و ستیزهای برون‌مرزی را به‌وجود آورده است. آب به‌ویژه در کشورهای خاورمیانه که از منابع آب کافی محروم‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است (بزرگ‌زاده، و دیگران، ۱۳۷۳: ۱۵).

اگرچه آب منبعی تجدیدشدنی است، ظرفیت آب‌های مناسب زمین محدود و در برابر فعالیت‌های روزمره آدمی بسیار آسیب‌پذیر است. میزان مصرف آب در سطح جهانی از دهه ۱۹۵۰م پیوسته رو به فزونی نهاده است. از کل آب مناسب سطح زمین، ۶۹ درصد به بخش کشاورزی، ۲۱ درصد به مصرف صنعتی، ۶ درصد برای مصارف شهری و ۴ درصد بقیه نیز اغلب در منابع ذخیره هدر می‌رود. در سده بیستم، آب بخش

کشاورزی ۱۰ درصد افزایش داشته است و پیش‌بینی می‌شود تا ۳۰ سال آینده ۸۰ درصد از کل غذای جهان از این بخش تأمین شود که در نتیجه بر میزان آب مصرفی آن نیز افزوده خواهد شد.

بیش از ۱ میلیارد نفر از جمعیت بالای ۶ میلیاردی کره زمین از آب شیرین و تمیز محروم‌اند و ۱/۷ میلیارد نفر نیز بهداشت مناسبی ندارند. براساس گزارش سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۸۶م، حدود ۲۷ هزار نفر بر اثر استفاده از آب‌های آلوده و غیربهداشتی جان خود را از دست داده‌اند و ۲۶ کشور آفریقایی و خاورمیانه و بعضی از کشورهای اروپایی مانند هلند با کمبود آب روبه‌رویند. کشورهای آفریقای شمالی، خاورمیانه و چین بیش از نقاط دیگر تحت تأثیر بحران کم‌آبی قرار دارند و بیشتر شهرهای کشورهای در حال توسعه از بهداشت مناسب محروم‌اند؛ بهداشتی که یکی از لازمه‌های آن آب است.

دره رود نیل ۵ درصد از مساحت کشور مصر را تشکیل می‌دهد و حدود ۹۵ درصد جمعیت در همین دره زندگی می‌کنند. این آمار نشان‌دهنده وابستگی شدید مصر به رود نیل است تا جایی که پتروس گالی، دبیرکل پیشین سازمان ملل، گفته بود: امنیت ملی کشور مصر که به‌طور کلی به آب رودخانه نیل وابسته است در دست دیگر کشورهای آفریقایی است.

شهرها معمولاً نزدیک منابع آب شیرین مانند رودخانه‌ها و چشمه‌سارها بنا شده است. ۴۷ درصد شهرها و روستاها در کنار رودخانه‌ها قرار داد و سه‌چهارم زمین‌های حاصل‌خیز پنجاه کشور جهان در حوزه رودخانه جای گرفته است (جعفری، ۱۳۸۴: ۳۳).

دسترسی به منابع آبی آن قدر اهمیت یافته است که بسیاری از کشورها از جمله رژیم صهیونیستی، تا سرحد امکان، دخالت در مبدأ، مسیر و مقصد منابع آب کشورهای اطراف و حتی فراتر از آن را برای خود جایز می‌شمارند. درباره رود نیل، به نظر می‌رسد بیشترین توجه رژیم صهیونیستی در مقصد آن یعنی کشور مصر است. اهمیت مصر نه تنها به دلیل قرار گرفتن در تقاطع سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا، بلکه به دلیل مجاورت آن با دریایی است که نقطه آغازین روابط بین‌المللی بوده است. موقعیت جغرافیایی مصر به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی، در طول دوره‌های گذشته، برای نفوذ به منطقه جنوب غربی آسیا (خاورمیانه) از این کشور وارد شده‌اند (عزتی، ۱۳۷۸: ۱۷۶). به دلیل اهمیت نقش این کشور در خاورمیانه، رژیم صهیونیستی از هر ابزاری برای تأثیرگذاری

در آن استفاده می‌کند. با توجه به وابستگی مصر به آب رود نیل، دخالت در مبدأ، مسیر و مقصد آن برگ برنده مهمی برای این رژیم به‌شمار می‌آید.

### مفهوم ژئوپلیتیک آب

کمبود آب و منافع مشترک دولت‌ها بر سر آب‌های بین‌المللی همچون رودخانه‌ها سبب شده است آب عاملی تعیین‌کننده در سیاست بین‌المللی و روابط دولت‌ها با یکدیگر باشد و روابط اجتماعات بشری نظیر سکونتگاه‌های شهری و روستایی درون کشورها را نیز تحت‌الشعاع قرار دهد.

امروزه، آب به‌صورت یک ماده رقابتی و مطلوب و در عین حال عامل نگران‌کننده زندگی انسان‌ها وارد عرصه مناسبات و مناقشات دولت‌ها شده است. تاکنون، حدود سیصد پیمان بین کشورهای مختلف جهان برای حل مسائل موردی منابع آب بسته شده و در ۲ هزار پیمان بین‌المللی (حدود ۲ هزار) بندهایی درباره آب منظور شده است (حافظنیا، و نیکبخت، ۱۳۸۱: ۴۸).

منابع آب شیرین رودخانه‌ها سرچشمه ستیزه‌جویی‌های دولت‌ها، به‌ویژه در خاورمیانه و مناطق خشک جهان را تشکیل می‌دهد؛ برای نمونه می‌توان به درگیری‌های اعراب و فلسطین با اسرائیل به‌ویژه در جنگ ۱۹۶۷ م بر سر حوضه رود اردن، و جنگ‌های حوضه رودخانه‌های نیل، دجله و فرات، سند و پنجاب، و سیحون و جیحون در آسیای مرکزی اشاره کرد (همان، ۵۰). همواره بین وضعیت منابع آب و کشمکش‌ها و رقابت‌ها برای مالکیت و در اختیار گرفتن سهم بیشتری از آن، ارتباط مستقیمی وجود دارد. بر همین اساس است که برخی صاحب‌نظران آب را در آینده منشأ جنگ و درگیری دانسته‌اند؛ چنان‌که هومر دیکسون معتقد است جنگ‌های آینده و خشونت‌های مدنی اغلب از کمبود منابع آب، غذا، جنگل و شیلات ناشی خواهد شد (Kaplan, 1998: 191). اسماعیل سراج‌الدین نایب، رئیس بانک جهانی، در اجلاس ۱۹۹۵ م استکهلم چنین گفته است: «جنگ‌های قرن آینده بر سر آب خواهد بود و نه نفت.» (Homer Dixon 1998: 208). بنابراین، آب نیز همانند نفت، به‌طور روزافزونی، به‌عنوان عامل درگیری و بی‌ثباتی در صحنه بین‌الملل در حال ظهور است، به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۴۸ م، نزدیک به چهل درگیری بر سر منابع آب رخ داده که بیشتر آن‌ها در خاورمیانه بوده است. در خاورمیانه حوضه رود اردن و حوضه رودهای دجله و فرات، و در آفریقا نیز رود نیل، ولتا، زامبزی و حوضه رود نیجر مستعدترین مناطق برای درگیری به‌شمار می‌رود.

در جهان، ۲۶۱ رود در جریان است که دست کم از میان دو کشور می‌گذرد و این کشورها باید آب آن را بین خود تقسیم کنند. بسیاری جنگ بر سر آب را ناممکن می‌دانند؛ اما عده‌ای معتقدند هم‌اکنون هم در بسیاری از نقاط آفریقا بر سر آب کشمکش هست. صاحب‌نظران بسیاری همچون سیمون دالبی، گارت پورتر، نازلی جورسی و رابرت نورث دربارهٔ ژئوپلیتیک آب اظهار نظر کرده‌اند. بنابراین، با توجه به اهمیت منابع آب در سرنوشت انسان‌ها و جوامع بشری است که ژئوپلیتیک آب یا هیدروپلیتیک موضوعیت یافته است. از این رو، می‌توان گفت «ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد، اعم از اینکه در داخل کشورها و یا بین آن‌ها و دارای ابعاد فراقشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد.» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲). بای نیز در کتاب **هیدروپلیتیک رودهای مرزی** آورده است: «هیدروپلیتیک به بررسی وضعیت سیاسی رودخانه‌ها و دریاچه‌های میان دو یا چند کشور می‌پردازد و سعی می‌کند دیدگاه‌ها و نظرات دو طرف را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.» (۱۳۸۴: ۵).

### نیل و کشورهای که در آن‌ها در جریان است

رود نیل با ۶ هزار و ۶۷۱ کیلومتر طول، طولانی‌ترین رود جهان است. این رود در شمال خاوری قاره آفریقا در جریان است و شاه‌رگ حیاتی کشور مصر به‌شمار می‌آید. نیل از رشته‌کوه‌هایی در مرکز قاره آفریقا سرچشمه می‌گیرد و راه طولانی خود را به سمت شمال آغاز می‌کند. در طی مسیر رودهای زیادی که از کوه‌های شرق این قاره سرچشمه گرفته‌اند، به آن می‌پیوندند. رود نیل از کشورهای اوگاندا، سودان و مصر و از شهرهای مهمی چون خارطوم، پایتخت سودان و قاهره، پایتخت مصر می‌گذرد و سرانجام به دریای مدیترانه می‌ریزد. نیل شاه‌راه حیاتی این کشورهای خشک و بیابانی و سبب برتری موقعیت آن‌ها بر دیگر کشورهای آفریقایی است (<http://iranpardis.com>). رود نیل از قلب داغ آفریقا تا سواحل مدیترانه در همه‌جا مایهٔ حیات است؛ علاوه بر این منشأ درگیری‌هایی نیز است که بر سر مالکیت زمین‌های حاصل‌خیز اطراف آن درمی‌گیرد؛ اینجاست که آب نیل آب ممت هم می‌شود. به‌همین دلیل، سرچشمه‌های آن در اعماق قاره آفریقا به‌موجب «معاهده نیل» اداره می‌شود. این معاهده - که در دورهٔ استعمار بسته شده است - از سویی به مصریان، ساکن سواحل انتهای رود، اجازه می‌دهد از آب رودخانه به‌طور کامل استفاده کنند و از سوی دیگر، ساکنان سواحل بالای نیل را

بدون تکلیف رها کرده است. اهالی سرزمین‌های سرچشمه نیل بیش از گذشته از اوضاع ناراضی‌اند؛ نمونه آن ناراضی‌مردم کنیاست. اهالی روستاهای اطراف دریاچه ویکتوریا - که رود نیل از آن سرچشمه می‌گیرد- پیوسته به مصر و مصری‌ها ناسزا می‌گویند و به «معاهده نیل» معترض‌اند. کنیایی‌ها می‌گویند: اگر مصر بخواهد برای آب نیل به کنیا حمله کند، ما حاضریم برای دفاع از آبی که حق ماست تا پای جان بایستیم... کنیا باید «معاهده نیل» را کنار بگذارد و آب دریاچه ویکتوریا را کالایی تجاری تلقی کند که قابل فروش است.

این نمونه‌ای از طرز تلقی و عقیده‌ای است که در میان اهالی کنیا و نیز ساکنان کشورهای همسایه کنیا رواج دارد. علت رواج این افکار، خواسته روزافزون این کشورها به داشتن سهم منصفانه از آب رودخانه است. ده کشور معروف به کشورهای حوزه نیل بر سر آب رودخانه به کشمکش‌های بیشتری گرفتار می‌شوند. حدود ۱۶۰ میلیون نفر از ۳۰۰ میلیون جمعیت این ده کشور در ناحیه حوزه نیل زندگی می‌کنند. این عده به آب نیل وابستگی مستقیم دارند. به موجب معاهده نیل که در سال ۱۹۲۹م بین مصر و انگلستان برای تعیین تکلیف مستعمرات شرق آفریقایی انگلستان بسته شد (<http://www.al-shorfa.com/fa/article/countries>)، مصر در صورت مشاهده تهدیدی در سطح آب رود نیل می‌تواند از هرگونه استفاده از آب دریاچه ویکتوریا جلوگیری کند. کنیا که مثل تانزانیا دچار قحطی‌های پی‌درپی ناشی از کم‌بارانی، جنگل‌زدایی و فرسایش خاک است، اظهار می‌کند برای آبیاری و تأسیس مجتمع‌های آبی تولید برق به آب نیل نیاز دارد. اوگاندا هم درصدد استفاده از آب نیل است. افزایش ناراضی‌مندی کشاورزان، ماهیگیران و ساکنان مناطق شهری شرق آفریقا، رهبران کشورهای این منطقه را واداشته به مذاکره با قاهره بپردازند و از دولت مصر بخواهند در معاهده نیل تجدیدنظر کند. به نظر این کشورها (تانزانیا، مصر، اوگاندا، سودان، بروندي، رواندا، کنگو، اتیوپی و اریتره) معاهده ۱۹۲۹م نیل پیمان بی‌اساسی است که در عصر استعمار بسته شده و قابلیت اجرایی ندارد؛ زیرا حکام بیگانه در بسته‌شدن آن دخیل بوده‌اند و به منافع ساکنان محل توجهی نکرده‌اند.

جولیوس نایرره، رئیس‌جمهور تانزانیا، پس از استقلال کشورش از انگلستان در سال ۱۹۶۱م، اعلام کرد کشورش به معاهده نیل پایبند نخواهد بود. وزیر آب تانزانیا نیز می‌گوید: «ما به آب احتیاج داریم و تازه داریم به حرف‌هایی می‌رسیم که نایرره در آن سال‌ها گفته بود.» بسیاری از کشورهای استفاده‌کننده از آب نیل مشکل مالی دارند.

ساخت شبکه‌های آبیاری و یا نیروگاه‌های برق آبی هزینه‌هایی دارد که این کشورها توانایی تأمین آن را ندارند. بانک جهانی- که می‌تواند منبع تأمین این هزینه‌ها باشد- هم خود را پایبند به معاهده ۱۹۲۹م می‌داند. کشورهای آفریقایی از سرمایه دیپلماسی نظیر مصر برخوردار نیستند. ایالات متحده به مصر به‌دیده متحد استراتژیک خود می‌نگرد و آن را رهبر سیاسی و فرهنگی دنیای عرب می‌شناسد. کانال سوئز هم که در اختیار مصر است، گلوگاه حساسی برای کشتیرانی بین مدیترانه، اقیانوس هند و سایر مناطق جهان است. مقامات مصری بر این باورند مصر به آب نیل وابستگی حیاتی دارد و کمترین تغییر در سطح آن برای مصر فاجعه است. بیش از ۹۵ درصد منابع آب مصر از نیل تأمین می‌شود و بیشتر ساکنان مصر در دره رود نیل در ۴ درصد از خاک این کشور زندگی می‌کنند. رئیس اداره آب نیل در وزارت منابع آب و آبیاری مصر می‌گوید: «نیل منبع اصلی زندگی ماست.»

مشکل اصلی از نظر تحلیل‌گران، دیدگاه رهبران کشورهای حوزه نیل درباره معاهده‌های دوران استعمار است. حال که آن‌ها عقیده دارند معاهده‌ها در آفریقای پس از استعمار اجراشدنی نیست، به‌یقین مشکلات بعدی و سپس ستیزه‌ها و درگیری‌ها به‌وجود خواهد آمد. در میان مردمان کشورهای حوزه نیل هم سؤالی درباره چنین معاهده‌هایی مطرح می‌شود و آن این است که چرا چنین معاهده‌هایی در سال‌های پس از استعمار هم برقرار و معتبر مانده است؟ مرز بین کشورهای خاورمیانه توسط انگلیس و فرانسه و بنابر خواست آن‌ها، در چارچوب منافع گذشته و آینده آن‌ها و بدون رعایت منافع مردم محل، تعیین شده است. نظر مردم درباره معاهده‌هایی مثل معاهده نیل هم درست مانند عقیده آن‌ها درباره مرزهاست. سودان، یکی از مستعمره‌های سابق انگلیس، از معاهده نیل همچنان بهره می‌برد. این معاهده به سودان حق استفاده از ۱۸ میلیارد متر مکعب آب را داده است. حق مصر در معاهده ۵/۵۵ میلیارد متر مکعب از آب نیل تعیین شده است. نماینده پیشین سودان در اتحادیه کشورهای آفریقایی می‌گوید: «سودان خوب می‌داند در موضع قدرت قرار دارد.» منظور وی از موضع قدرت، وضعیت کشورهای آفریقایی است که حق استفاده از آب رود نیل را ندارند. موضع آن‌ها به‌طور قطع، موضع قدرت نیست.

### رژیم صهیونیستی و حوزه رود نیل

رژیم صهیونیستی را دولت آب نامیده‌اند. بنیان‌گذاران این رژیم از ابتدا به محدودبودن منابع آب این منطقه آگاه بودند. به‌همین دلیل از اوایل قرن بیستم، تلاش‌های سیاسی زیادی برای تأمین منابع آب انجام دادند و مرزهای دولت یهود را از شمال تا رود لیطانی و از شرق تا رود اردن گسترش دادند. درواقع، آن‌ها نوعی مرز هیدرواستراتژیک برای رژیم صهیونیستی ترسیم کردند. با تأسیس این رژیم در سرزمین فلسطین در سال ۱۹۴۸م و به‌دنبال آن مهاجرت بی‌رویه یهودیان به این منطقه، رژیم صهیونیستی از همان ابتدا نوعی مدیریت منسجم را بر منابع آبی خود به‌کار گرفت و با اتخاذ استراتژی‌ها و سیاست‌های هماهنگ توانست به‌طور موقت بحران کم‌آبی را پشت سر بگذارد؛ اما همچنان مشکل کم‌آبی این رژیم پابرجاست.

کشورهای شاخ آفریقا، به‌ویژه اتیوپی برای رژیم صهیونیستی اهمیت بسیاری دارند. حقایق ژئواستراتژیکی که موجب همکاری رژیم صهیونیستی با اتیوپی در زمینه‌های مختلف می‌شد، اکنون موضوعیت بیشتری یافته است. به‌نظر برخی کارشناسان در حال حاضر، ۲۰ درصد از بازرگانی دریایی رژیم صهیونیستی از مسیری انجام می‌شود که از مقابل سواحل شاخ آفریقا و تنگه باب‌المندب می‌گذرد و پروازهای شرکت هواپیمایی «ال‌عام» به خاورمیانه و شرق آسیا از طریق آسمان اریتره صورت می‌پذیرد.

اهمیت اتیوپی و اریتره بیشتر به‌واسطه سودان و تفکرات اسلام‌گرای آن است که از نظر رقبای منطقه‌ای، پایگاه تحریک و برنامه‌ریزی علیه کشورهای همجوار و نیز مرکز آموزش چریک‌های اسلام‌گرای کشورهای مختلف، از جمله لبنان و مصر است. از نظر آن‌ها، علت اهمیت امنیتی همکاری با کشورهای اتیوپی و اریتره این است که اگر منطقه شاخ آفریقا و ساحل دریای سرخ تحت نفوذ ایران و سودان قرار گیرد، «منافع استراتژیک رژیم صهیونیستی به‌شدت تهدید خواهد شد». استعدادهای مختلف کشورهای اتیوپی و اریتره از جمله دو بندر «عصب» و «مصوع» در اریتره و به‌ویژه اهمیت امنیتی آنان بر منابع و سرچشمه رود نیل، زمینه‌های خوب همکاری با کشورهای یادشده به‌شمار می‌آید. نکته جالب توجه این است که اگر بین سه کشور اریتره، اتیوپی و مصر بر سر رودخانه نیل تنش به‌وجود آید، رژیم صهیونیستی به‌دلیل روابط خوبش با آن‌ها می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد.

قاره آفریقا از چندین جهت برای رژیم صهیونیستی اهمیت استراتژیک دارد که همسایگی برخی کشورهای آن با کشورهای عرب یکی از آن‌هاست. همین امر موجب



شد بن گوریون ارتباط با آفریقا و توجه به آن را در سیاست رژیم صهیونیستی بسیار مهم جلوه دهد. توجه رژیم صهیونیستی به اتیوپی به سبب حضور اقلیتی از یهودیان که اهمیت دینی و عقیدتی برای ملت یهود دارد، و نیز توجه به یهودیان آفریقای جنوبی نمونه‌ای از اهمیت قاره آفریقا نزد رژیم صهیونیستی است. این عوامل موجب شد جنبش صهیونیسم، حتی پیش از آشکار کردن تأسیس رژیم صهیونیستی و در زمان پیدایش این جنبش در اواخر قرن هجدهم، توجه ویژه‌ای به قاره آفریقا داشته باشد. این توجه حتی پیش از برگزاری کنفرانس پازل در شهر بال سوئیس در سال ۱۸۹۷م نیز مشاهد شد. در آن زمان قرار بود علاوه بر فلسطین، دولتی یهودی در اوگاندا و آرژانتین نیز تشکیل شود.

اتیوپی هم دومین دولت آفریقایی بود که با رژیم صهیونیستی روابط برقرار کرد. نادیه سعدالدین (مجله المستقبل العربی، ۲۰۰۳: ش ۲۹۲) می‌گوید حضور رژیم صهیونیستی در شرق آفریقا به سبب برخی عوامل اهمیت بسیاری دارد:

۱. موقعیت استراتژیک و بسیار مهم کشورهای شرق آفریقا به چند دلیل:

الف) برخی از این کشورها در کنار دریای سرخ قرار گرفته‌اند که این دریا خود از موقعیت استراتژیکی در بین جهان عرب و قاره آفریقا از یک سو و قاره آفریقا و آسیا از سوی دیگر برخوردار است. در این دریا ۳۸۰ جزیره وجود دارد که ۱۲۶ جزیره به اریتره و ۶ جزیره به جیبوتی تعلق دارد. علاوه بر این، مهم‌ترین راه انتقال نفت خلیج فارس و ایران به اروپای صنعتی و آمریکاست. همچنین از آنجا که راه ارتباطی میان اقیانوس هند و دریای مدیترانه است، آن را راه ارتباط دریایی نیروهای نظامی کشورهای مهم جهان از جمله آمریکا و اروپا و مناطقی که این کشورها در آن‌ها نیرو مستقر کرده‌اند، به‌شمار می‌آورند. آنچه اهمیت این دریا را دوچندان می‌کند، کانال سوئز در شمال و تنگه باب‌المنندب در جنوب آن است؛ زیرا هرکس که بر تنگه باب‌المنندب یا کانال سوئز سیطره داشته باشد، می‌تواند بر کشتیرانی در این دریا نیز به‌طور کامل مسلط باشد.

ب) ۸۵ درصد از سرچشمه‌های رود نیل به‌عنوان مهم‌ترین منبع آبی آفریقا در کشور اتیوپی جریان دارد. این رود از بیش از ده کشور عبور می‌کند و کشورهایی مانند مصر و سودان به سبب اینکه تنها رود جاری در آن‌ها نیل است، بسیار به آب آن نیازمندند.

ج) کشورهای موسوم به شاخ آفریقا از موقعیت ژئوپلیتیک بسیار مهمی برخوردارند؛ زیرا گذرگاه‌های دریایی بسیار مهمی از جمله دریای سرخ و اقیانوس هند در مجاورت آن‌ها قرار گرفته است.

۲. کشاورزی فعال‌ترین بخش بسیاری از کشورهای آفریقایی و منبع اصلی درآمد شمار زیادی از آنهاست. این وضع موجب شده است رژیم صهیونیستی با اجرای طرح‌های کشاورزی و خرید زمین‌های کشاورزی و تملک آنها، در آفریقا بسیار فعال شود.

۳. رژیم صهیونیستی توجه به شرق آفریقا را بخش بسیار مهمی از سیاست‌های خود در جریان منازعه عربی - صهیونیستی می‌داند. همین امر موجب شد بن‌گوریون، از سران پیشین رژیم صهیونیستی، توجه به شرق آفریقا را محور سوم منازعه اعلام کند.

۴. کشورهای آفریقایی، به‌ویژه کشورهای شرقی این قاره از مشکلات و عقب‌ماندگی اقتصادی و اجتماعی به‌جا مانده از عصر استعمار در این قاره رنج می‌برند. علاوه بر این، مشکلات ناشی از وابستگی، ساختار حکومت، درگیری‌ها و اختلاف‌های مرزی و درگیری‌های نژادی و مذهبی همیشه کشورهای این قاره را دربرگرفته است. رژیم صهیونیستی از همه این‌ها برای تحقق اهداف خود در منطقه سود می‌برد و البته ناگفته نماند که چنین وضعی به‌هیچ‌روی به نفع این کشورها نیست.

حسین معلوم در مقاله‌ای (مجله الوحده، ۱۹۹۲: ۹۷) نوشته است تلاش برای تسلط بر دریای سرخ یکی از مهم‌ترین هدف‌های راهبردی رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس آن بوده و است. این تلاش به‌ویژه پس از حضور رژیم صهیونیستی در خلیج عقبه در سال ۱۹۴۹م بیشتر شد. رژیم صهیونیستی کوشیده است بدین وسیله راه ارتباط خود را با جهان خارج از طریق دریای سرخ هموار کند. رژیم صهیونیستی برای تحقق این هدف، ابتدا حضور خود را در دریای سرخ تثبیت کرد تا بتواند منافع نظامی، اقتصادی و سیاسی خود را از طریق این دریا پیگیری کند، سپس برای سیطره بر دریای سرخ به اعمال نفوذ پرداخت. به‌همین منظور، اراضی عربی در بخش شمالی این دریا را به تصرف درآورد و اندکی بعد در پی اشغال جزایر واقع در بخش جنوبی این دریا برآمد. همچنین رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند برای خنثی کردن اهمیت استراتژیک کانال سوئز، با حفر کانالی دریای سرخ را به بحرالمتصل کند و در گام بعدی با حفر کانال دیگری در منطقه حیفا، دریای مدیترانه را به بحرالمتصل کند (خبرگزاری فارس، ۱۳۸۸).

یکی از علت‌های مهم تلاش‌های رژیم صهیونیستی، نگرانی عمیق این رژیم از این احتمال است که کشورهای عربی دریای سرخ را به دریای عربی تبدیل کنند و از آن پس کشتی‌های اسرائیلی را به محاصره درآورند. این نگرانی به‌ویژه با بسته شدن چندین باره تنگه‌های تیران و باب‌المندب در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳م قوت گرفت (سایت آفتاب،

(۱۳۸۸). به همین سبب، دریای سرخ و منطقه شاخ آفریقا برای رژیم صهیونیستی اهمیت ویژه‌ای دارد و این رژیم همچنان برای تحقق اهداف خود و سلطه بر دریای سرخ از سه محور تلاش می‌کند: نیروهای مسلح خود را تقویت کرده است؛ روابط سیاسی بسیار نزدیکی با کشورهایمانند اتیوپی برقرار کرده است؛ از تمام توان خود برای استفاده از جزیره‌های دریای سرخ بهره گرفته است. شاید همین امر بتواند علت توجه بسیار زیاد رژیم صهیونیستی را به شرق آفریقا و مناطق نزدیک به دریای سرخ، در مقایسه با مرکز و غرب آن، تحلیل کند. به دلیل ارتباط میان لزوم ایجاد عمق استراتژیک و امنیت و توان تحقق اهداف توسعه طلبانه، رژیم صهیونیستی تلاش زیادی را برای تقویت روابط خود با کشورهای آفریقایی به ویژه اتیوپی، که از طریق اریتره به دریای سرخ راه دارد، به کار گرفته است. این رژیم برای افزایش تلاش‌های خود در دریای سرخ برای مقابله با کشورهای عربی، کمک‌های اقتصادی و نظامی گسترده‌ای به اتیوپی می‌دهد تا در مقابل، از اهداف راهبردی این رژیم در این دریا حمایت کند و اریتره همچنان تحت سلطه اتیوپی باقی بماند. شبکه عنکبوتی اطلاعاتی اسرائیل (موساد) به صورت فعال در اتیوپی و به ویژه در سواحل اریتره و البته با موافقت اتیوپی فعالیت می‌کند.

رژیم صهیونیستی پا را از این هم فراتر نهاده و در سال ۱۹۶۵م هنگام سفر موشه دایان به اتیوپی، از مقامات این کشور اجازه تأسیس پایگاهی نظامی را در اتیوپی گرفته است. این رژیم همچنین در جزایر وابسته به اریتره به ویژه در نزدیکی تنگه باب‌المنندب پایگاه‌های نظامی برپا کرده است. رژیم صهیونیستی همچنین با موافقت اتیوپی دو پایگاه نظامی در نزدیکی مرز میان اریتره و سودان تأسیس کرده و از طریق شرکت‌های بازرگانی خود در اریتره فعال است. شرکت‌های صهیونیستی مانند آنکودی (فعال در تجارت گوشت)، سیا (در زمینه کشاورزی)، عمیران (در عرصه‌های تجاری)، سولان بونیه (در عرصه ساخت و ساز)، اتا (در عرصه طرح‌های کشاورزی)، اخوان ارون (در عرصه واردات و صادرات) و اتحادیه ملی کارگران هستدروت (در عرصه‌های بازرگانی و صنعت) در اریتره و اتیوپی به صورت گسترده فعالیت دارند. به دلیل پیوند امنیت رژیم صهیونیستی با دریای سرخ، صهیونیست‌ها تمایل دارند در حل اختلاف‌های دریای سرخ، به ویژه در آن بخش‌هایی که بر آزادی کشتیرانی و تجارت و همکاری اقتصادی با جهان خارج تأثیر می‌گذارد، به عنوان واسطه عمل کنند. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند اهداف مختلفی را متناسب با راهبردهای خود در دریای سرخ دنبال کند؛ از جمله:

۱. توسعه حضور نظامی و تثبیت آن و تأمین منافع رژیم صهیونیستی از طریق فراهم کردن امکانات لازم برای حمله مستقیم به کشورهای عربی در تنگه باب‌المندب؛
۲. ایجاد عمق استراتژیک در دریای سرخ به منظور فراهم شدن امکان تحت نظر گرفتن هرگونه فعالیت نظامی کشورهای عربی در منطقه؛
۳. تضمین ادامه تماس و امنیت خطوط دریایی نظامی و غیرنظامی رژیم صهیونیستی میان اقیانوس هند و مدیترانه از طریق دریای سرخ و راه زمینی ایلات به بندرهای حیفا و عسقلان.

بعد اقتصادی روابط میان آفریقا و رژیم صهیونیستی سنگ اساس ابعاد دیگر ارتباط میان رژیم صهیونیستی و این قاره است و این موضوع تهدیدکننده امنیت ملی کشورهای عربی (و اسلامی) است. کشورهای عربی نیز در پی روابط رژیم صهیونیستی با آفریقا باید روابط خود را با کشورهای آفریقایی گسترش دهند که این اقدام می‌تواند در چارچوب روابط میان اتحادیه عرب یا سازمان کشورهای آفریقا صورت گیرد. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که صهیونیسم به شدت در تلاش است تا به هر قیمتی شده بر منطقه مسلط شود؛ (مصطفی، رجب، ۱۳۸۴)، برای مثال برخی کارشناسان از جمله تعدادی از مقام‌های دولت سودان معتقدند دخالت‌های خارجی به‌ویژه از سوی رژیم صهیونیستی در منطقه دارفور در شکل‌گیری جنگ در این منطقه مؤثر بوده است. رژیم صهیونیستی می‌کوشد بدین وسیله، دولت مرکزی بزرگ‌ترین کشور اسلامی جهان و قاره آفریقا را - که دارای عقایدی ضداسرائیل است - تضعیف کند. ضمن اینکه سودان در جایگاه یکی از سرچشمه‌های اصلی رود نیل، همواره مورد توجه رژیم صهیونیستی بوده است.

در اوضاع کنونی، این سؤال مطرح می‌شود که چرا آمریکا و انگلیس توجه خاصی به بحران دارفور دارند و دستگاه رسانه‌ای این کشورها وظیفه ویژه‌ای را برای گسترده جلوه‌دادن بحران در دارفور ایفا می‌کند. این در حالی است که در سال‌های اخیر، بحران‌های به‌مراتب گسترده‌تری در بخش‌هایی از قاره آفریقا از جمله کنگو روی داده است که با وجود گستردگی فجایع انسانی، آمریکا و انگلیس به آن‌ها کمترین توجهی نکرده‌اند. گفته می‌شود کشف منابع غنی نفتی در سودان یکی از دلایل اصلی توجه آمریکا و انگلیس به این کشور است؛ به‌ویژه که بخشی از این منابع در جنوب منطقه دارفور قرار دارد. این احتمال، زمانی تقویت شد که دولت سودان با تعدادی از شرکت‌های چینی (<http://economy.kodoom.com>)، هندی و مالزیایی

(<http://www.shana.ir>) برای استخراج نفت در سودان قرارداد امضا کرد. اگرچه برخی نیز معتقدند با توجه به افزایش مشکلات آمریکا و انگلیس در عراق، واشنگتن و لندن می‌کوشند با تبلیغات گسترده درباره وقوع فاجعه‌ای انسانی در دارفور سودان و تلاش انسان‌دوستانه آن‌ها برای پایان دادن به بحران در این منطقه، افکار عمومی جهان را از کشتار مردم عراق و مشکلات روزافزون نظامیان خود در این کشور منحرف کنند.

## اولویت‌ها و اهداف سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در منطقه شرق آفریقا (صبری انوشه، ۱۳۸۵)

### ۱. اهداف سیاسی

- ۱-۱. خروج از انزوای منطقه‌ای و شکست طرح‌های اعراب برای محاصره و منزوی کردن این رژیم؛
- ۱-۲. تکاپو برای افزایش حجم مشروعیت بین‌المللی و منطقه‌ای؛
- ۱-۳. گسترش روابط سیاسی با کشورهای منطقه به‌عنوان مدخلی برای گسترش مناسبات اقتصادی و امنیتی میان تل‌آویو و این منطقه؛
- ۱-۴. بهره‌برداری از گسترش روابط با کشورهای این منطقه به‌منظور تلطیف افکار عمومی این منطقه و زدودن تأثیرات منفی تبلیغات کشورهای اسلامی و عربی علیه این رژیم؛
- ۱-۵. کسب حمایت سیاهان آمریکایی از رهگذر افزایش و گسترش مناسبات میان صهیونیست‌ها و کشورهای قاره سیاه.

### ۲. اهداف اقتصادی

- ۲-۱. گشایش بازارهای کشورهای منطقه برای کالاهای صادراتی رژیم صهیونیستی. از این رهگذر تلاش می‌شود درآمد ارزی این رژیم افزایش یابد و کسری مبادلات بازرگانی به حداقل برسد.
- ۲-۲. گشودن بازارهای منطقه برای ورود خدمات فنی و مهندسی رژیم صهیونیستی.
- ۲-۳. افزایش حجم سرمایه‌گذاری رژیم صهیونیستی در معادن استراتژیک این منطقه به‌ویژه معادن خام همچون طلا، مس، نفت، الماس و اورانیوم. تلاش می‌شود از این راه نیازمندی‌های صنایع پایه این رژیم تأمین شود.

### ۳. اهداف امنیتی - نظامی

۳-۱. تلاش برای داشتن سهم چشمگیری در بازار واردات اسلحه به کشورهای این منطقه؛ به‌ویژه این منطقه شاهد تحولات شتابزده و دارای شاخص‌های فراوان بی‌ثباتی است.

۳-۲. افزایش گسترده همکاری امنیتی و اطلاعاتی میان دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به‌ویژه موساد و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی کشورهای منطقه.

۳-۳. افزایش فرصت‌ها برای همکاری راهبردی میان این رژیم و آمریکا در پهنه این منطقه و همچنین تلاش برای افزایش هژمونی منطقه‌ای و جهانی آمریکا در این قاره.

۳-۴. تشویق جنبش‌ها و جریان‌های جدایی‌خواه و بهره‌وری از اختلاف‌های قبیله‌ای و نژادی و قومی میان ملل این کشورها. این اقدامات برای رژیم صهیونیستی سودهای گوناگون و فراوانی (اقتصادی - نظامی) دارد.

۳-۵. تلاش برای صدمه زدن به روابط و همکاری و همبستگی میان اعراب و کشورهای این منطقه و ایجاد منابع تهدیدزا برای امنیت ملی کشورهای عربی همچون سودان و مصر.

### مناسبات رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه

#### اتیوپی

رژیم صهیونیستی و اتیوپی روابطی گسترده و تاریخی در ابعاد مختلف دارند. بررسی مناسبات میان دو کشور نیازمند مقاله‌ای جداگانه است؛ اما چکیده‌وار می‌توان اهمیت اتیوپی را در سیاست‌های منطقه‌ای رژیم صهیونیستی چنین بیان کرد:

۱. موقعیت راهبردی: اتیوپی در منطقه شاخ آفریقا دارای موقعیت راهبردی است و در جایگاه قدرتی منطقه‌ای، به‌طور سنتی در منطقه شرق آفریقا و جنوب دریای سرخ ایفای نقش می‌کند و در توازن منطقه‌ای و ترتیبات امنیتی منطقه شاخ آفریقا عنصر فعال و مهمی است. رژیم صهیونیستی نیز در مراحل مختلف تاریخ معاصر اتیوپی، از این کشور در موازنه سیاسی و نظامی در برابر مصر بسیار استفاده کرده است.

۲. بعد جمعیتی: این کشور موطن یهودیان فلاشه می‌باشد که قبیله گمشده یهودیان در آفریقا است. از سال ۱۹۸۴م رژیم صهیونیستی توانست با همکاری چشمگیر آمریکا و رژیم‌های سودان و اتیوپی بیش از ۱۰۰ هزار یهودی اتیوپی را به فلسطین اشغالی کوچ دهد که قرار شد این مسئله در سال‌های آینده نیز ادامه یابد. این اقدام، تأثیرات

جمعیتی در فلسطین اشغالی داشته و رژیم صهیونیستی توانسته است آن‌ها را در سیاست‌های ضدفلسطینی به کار برد و ضعف جمعیتی خود را تا حدودی بپوشاند.

۳. منابع آبی دره رود نیل: ۸۵ درصد کل منابع آبی رود نیل سودان و مصر، از سرچشمه‌ها و دره‌های اتیوپی تأمین می‌شود. هرگونه خللی در روند آبیاری مصر و سودان، به‌منزله فاجعه‌ای برای دو کشور است. رژیم صهیونیستی تلاش‌های زیادی کرده است تا از راه کمک فنی و مهندسی به نظام آبی اتیوپی و کشاورزی آن، آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم به امنیت ملی خارطوم و قاهره وارد سازد.

### اریتره

استقلال اریتره در سال ۱۹۹۳م و به قدرت رسیدن آسیاسی افورکی، نتیجه تحولات منطقه پس از پایان جنگ سرد و نیز دخالت آمریکا و رژیم صهیونیستی بوده است. استقلال اریتره، منظومه امنیت دریای سرخ و منطقه شاخ آفریقا را پیچیده کرد. روابط همه‌جانبه رژیم صهیونیستی و آسیاسی افورکی و توجه فزاینده آمریکا به منطقه شاخ آفریقا، بسترساز گسترش نقش بازیگری اریتره در منطقه، و موجب برهم خوردن توازن منطقه‌ای شاخ آفریقا شده است. جنگ مرزی اریتره-اتیوپی تمام منطقه شاخ آفریقا و جنوب دریای سرخ را از لحاظ امنیتی به خطر انداخته و بحران‌های محلی را تشدید کرده است. بلندپروازی‌های افورکی موجب ائتلاف مصلحتی و موقت علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن، ژنرال عمرالبشیر، رئیس جمهوری سودان و ملیس زیناوی، نخست وزیر اتیوپی، حول محور صنعا شده است.

این کشور به دلایل راهبردی و سیاسی جایگاه ممتازی در سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی دارد و تجربه نشان داده است که آمادگی دارد تا به جاننشینی از رژیم صهیونیستی، برنامه و سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی را در منطقه اجرا کند. مناسبات دو کشور در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف، در حال تکامل و پیشرفت است و اریتره تسهیلات بی‌شماری به حضور نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی داده است.

### جنوب سودان

رژیم صهیونیستی از دیرباز برای تقویت نفوذ خود در دره رود نیل، توجه ویژه‌ای به برقراری روابط با قبایل و گروه‌های جنوب سودان داشت؛ قبایلی که با دولت مرکزی در حال جنگ بودند. به‌همین سبب، رژیم صهیونیستی روابط سنتی با قبیله دینکا در جنوب سودان داشت و از رهگذر همین روابط توانست نقش خود را در مسائل سودان

به‌ویژه بحران جنوب سودان گسترش دهد. مراحل همکاری و روابط رژیم صهیونیستی را با شورشیان جنوب، می‌توان به پنج دوره اصلی تقسیم کرد:  
دوره اول: در دهه پنجاه، رژیم صهیونیستی کمک‌های دارویی و مواد غذایی به شورشیان کرد.

دوره دوم: ارتش رژیم صهیونیستی به نیروهای شورشی انانیا آموزش چریکی و کمک‌های نظامی و پشتیبانی داد و در دهه شصت، مراکز برای آموزش نظامی شورشیان جنوب سودان در اتیوپی ایجاد کرد.

دوره سوم: در دهه هفتاد و هشتاد، رژیم صهیونیستی برای شورشیان جنوب سودان به‌ویژه گروه سرهنگ گارانگ سلاح تهیه می‌کرد و از طریق اتیوپی و اریتره این سلاح‌ها را به شورشیان جنوب سودان می‌رساند.

دوره چهارم: حمایت رژیم صهیونیستی از جنوب سودان گسترش یافت و سفیر رژیم صهیونیستی در کشور زئیر (کنگو) از سال ۱۹۹۰م مأموریت روابط با گارانگ را برعهده داشت.

دوره پنجم: رژیم صهیونیستی سیاست سلاح در مقابل تسهیلات نفتی را در جنوب سودان اجرا کرد و از این رهگذر امتیازات نفتی از گارانگ گرفت.

### جیبوتی

موقعیت حساس و راهبردی جیبوتی در شاخ آفریقا و تنگه باب‌المندب و همسایگی آن با کشورهای اریتره و سومالی، جایگاه این کشور کوچک را در سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی بسیار مهم کرده است. وجود دو گروه اصلی نژادی: عیساها (که ریشه سومالیایی دارند) و عفارها (که ریشه اتیوپیایی دارند) و نیز وضعیت اجتماعی و ترکیب جمعیتی (که خود مشکلی راهبردی برای امنیت ملی این کشور است) و سرانجام هراس جیبوتی از همسایگان بزرگ خود موجب شده است این سرزمین در سیاست خارجی خود دو راه را در پیش گیرد: نخست اینکه در مسائل شاخ آفریقا موضع بی‌طرفی سیاسی را اتخاذ کند و دیگر اینکه برای مقابله با تهدیدهای همسایگان خود و حفظ توازن منطقه‌ای، روابط خود را با رژیم صهیونیستی به‌عنوان قدرتی منطقه‌ای و کشور فرانسه به‌عنوان قدرتی فرامنطقه‌ای گسترش دهد. جیبوتی برای مقابله با تروریسم منطقه‌ای به کشورهای رژیم صهیونیستی، آمریکا و اتحادیه اروپا تسهیلات نظامی فراوانی داده است. پس از یازدهم سپتامبر، ناوگان‌های آلمانی و پایگاه زمینی فرانسه در جیبوتی بسیار فعال شده است.



## سومالی

پس از فروپاشی حکومت زیاده‌بار در ژانویه ۱۹۹۱، تأثیر پیامدهای جنگ داخلی بر سومالی و بر تمام ارکان زندگی عشیره‌ای این کشور، دخالت سازمان ملل و آمریکا برای محدودسازی ابعاد جنگ داخلی و تنش میان قبایل و عشایر این سرزمین، رژیم صهیونیستی در پرتو حضور نظامیان آمریکا و حافظان صلح سازمان ملل فرصت‌هایی را برای حضور در سومالی یافت. در نیمه دوم ۲۰۰۱م این رژیم حضورش را در سومالی در قالب سازمان‌های امدادسانی و نوع‌پرستی گسترده‌تر کرد و مراکزی را برای امدادسانی و کمک‌های بشردوستانه در شهرهای مهم سومالی با حمایت ایالات متحده آمریکا به‌وجود آورد. رژیم صهیونیستی علاوه بر تمرکز فعالیتش بر امدادسانی، با حمایت مستقیم و غیرمستقیم اتیوپی و آمریکا، با گروه‌های سومالیایی ارتباطات گوناگونی برقرار کرده است. در گذشته، مردم سومالی با هرگونه حضور رژیم صهیونیستی در کشورشان بسیار مخالف بودند؛ ولی اکنون به‌دلیل گستره فزاینده جنگ داخلی و آشفتگی عمومی و اوضاع نابسامان کشورشان، هرگونه کمکی را از رژیم صهیونیستی به‌آسانی می‌پذیرند.

## کنیا

تاریخ روابط کنیا و رژیم صهیونیستی به چهل سال قبل از استقلال این کشور و به دهه شصت بازمی‌گردد. ۳ هزار خانواده یهودی در این کشور زندگی می‌کنند و از دوران حاکمیت کینیاتا تا دوره حکومت دانیال اراگ موی، تجارت کنیا و امور بانکی، اداره مزارع بزرگ و بخش خدمات کشور را در انحصار خود دارند. مستشاران نظامی اسرائیلی در تمام نهادهای امنیتی- نظامی و سیاسی کشور حضور فعال دارند. حمله به سفارت آمریکا در نایروبی و حمله به هتل‌های اسرائیلی در مومباسا، پرده از حضور این رژیم در کنیا برداشت. با نگاهی گذرا به اقتصاد کنیا، نقش شرکت‌های صهیونیستی در آن آشکار می‌شود. شرکت‌های «آلرا»، «موتورولا»، «کور» و «سولیل بونیه» تجارت کنیا را با خارج در انحصار خود دارند و شرکت هتل‌های آفریقا، صنعت هتلداری و خدمات جهانگردی کنیا را در دست دارند. دولت کنیا در بعد سیاسی و راهبردی، همواره با سیاست‌های منطقه‌ای غرب به‌ویژه سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی همگرایی کامل دارد.

### اوگاندا

از دیرباز، کشور اوگاندا در اندیشه و سیاست راهبردی صهیونیست‌ها جایگاه ویژه‌ای داشت. داشتن موقعیت استراتژیک در منطقه شرق آفریقا، حضور راهبردی آن در منطقه منابع دره نیل و معادن ارزشمند، از دلایل توجه صهیونیست‌ها به این کشور است. عده‌ای از یهودیان اروپا در اوایل قرن بیستم، به این کشور کوچ کردند و به سرعت نقش برجسته‌ای در اقتصاد اوگاندا یافتند. پس از استقلال اوگاندا، روابط میان دو کشور سیر صعودی داشت. حادثه انتبه و کشته شدن چریک‌های فلسطین در فرودگاه این شهر نشان‌دهنده آگاهی اسرائیلی‌ها از جزئیات این کشور است. پس از سقوط عیدی امین، روابط میان رژیم صهیونیستی و اوگاندا در زمینه‌های مختلف به‌ویژه امنیتی - نظامی گسترش یافت. بسیاری از شرکت‌های رژیم صهیونیستی در بخش کشاورزی، دامپروری و خدمات جهانگردی حضور فعال دارند و ارتش رژیم صهیونیستی به‌موجب قراردادهای امنیتی و نظامی به ارتش، پلیس و نیروهای اطلاعاتی این کشور آموزش‌های نظامی، فنی و اطلاعاتی می‌دهد.

### تانزانیا

روابط رژیم صهیونیستی با تانزانیا به دوران قبل از استقلال این کشور باز می‌گردد. عده‌ای از خانواده‌های یهودی تحت حمایت همه‌جانبه استعمار انگلیس در این منطقه، در بخش تجارت و خدمات فعالیت داشتند. پس از استقلال و در دوران حکومت نایرره، روابط میان دو کشور به‌ویژه در بخش آموزش اتحادیه‌های کارگری و تعاونی‌های سوسیالیستی تانزانیا گسترش یافت. پس از دوران نایرره، همکاری میان دو کشور، ابعاد مختلفی به‌خود گرفت و در زمینه اقتصاد و نظامی نیز رشد چشمگیری داشت.

### بروندی

کشور کوچک بروندي به‌سبب موقعیت استراتژیک آن در منطقه دریاچه‌های بزرگ، در سیاست منطقه‌ای رژیم صهیونیستی اهمیت خاصی دارد. این رژیم برای دستیابی به اهداف نظامی - امنیتی و اقتصادی - سیاسی در میان قبایل بروندي به‌ویژه قبایل توتسی که پس از پایان بحران دریاچه‌های بزرگ به‌قدرت رسیدند، نفوذ کرده است. رژیم صهیونیستی علاوه بر انحصار معادن الماس و طلاي این کشور، در زمینه نظامی و امنیتی

قراردادهایی با این کشور بسته است که به موجب آن ارتش صهیونیستی به نظامیان و پلیس این کشور کمک‌های آموزشی و فنی عرضه می‌کند.

### رواندا

توتسی‌های حاکم در رواندا کشتار افراد قبیله خود را توسط قبیله هوتو - که اکثریت جامعه رواندا و بروندي را تشکیل می‌دهند - به «هولوکاست» یهودیان تشبیه کردند و خود را همچون یهودیان آفریقایی دانستند. افسران اطلاعاتی و کارشناسان فنی در زمینه کشاورزی، دامپروری و توسعه روستایی رژیم صهیونیستی از دیرباز در میان قبایل کشورهای بروندي، رواندا و دیگر کشورهای منطقه دریاچه‌های بزرگ حضور فعالی داشته‌اند. رژیم صهیونیستی در مسلح کردن قبایل و رژیم‌های حاکم در کشورهای این منطقه نقش اساسی دارد و کارشناسان این رژیم در تمام نهادهای نظامی - امنیتی و اطلاعاتی - سیاسی این کشور نفوذ دارند. معادن ارزشمند رواندا و موقعیت راهبردی آن در منطقه دریاچه‌های بزرگ، برای سیاست‌های راهبردی رژیم صهیونیستی در منطقه شرق آفریقا بسیار مهم است.

### کنگو دموکراتیک

رژیم صهیونیستی در دوران حاکمیت دیکتاتوری موبوتو و دوره حاکمان جدید از لوران کابیلا تا فرزندش جوزف کابیلا، روابط راهبردی و همه‌جانبه با کنگو دموکراتیک داشته است. حکومت کینشاسا در زمان موبوتو و کابیلاها برای کسب حمایت‌های نظامی و سیاسی در مقابل دشمنان داخلی و منطقه‌ای خود و همچنین برای دریافت مشروعیت جهانی، نیاز اساسی به آمریکا و رژیم صهیونیستی داشته است. کابیلای پدر و فرزند، به مدت کوتاهی دست یاری به سوی لیبی دراز کردند؛ اما پس از اندک‌زمانی دریافتند طرابلس توان و قابلیت حمایت همه‌جانبه از تداوم نظام سیاسی خود را ندارد. از این‌رو، بار دیگر از رژیم صهیونیستی کمک خواسته، روابط دوجانبه را با این رژیم آغاز کردند. در بخش اقتصادی، انحصار استخراج، صنعت، تجارت الماس و طلای این کشور در اختیار شرکت اسرائیلی IDI است. براساس اظهارات رسانه‌های عربی، گارد ریاست جمهوری جوزف کابیلا، رئیس جمهور کنونی این کشور، تحت کنترل افسران و مستشاران اسرائیلی است. همچنین نیروهای امنیتی و اطلاعاتی کنگو را موساد و افسران اطلاعاتی امنیت داخلی رژیم صهیونیستی آموزش می‌دهد (همان‌جا).

## نتیجه‌گیری

- با توجه به مباحثی که در مقاله بازگو شد، می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که:
۱. با توجه به گذشت زمان طولانی از بسته شدن معاهده نیل از یک‌سو و امضای آن در دوره استعمار و تأمین نکردن منافع ملی بسیاری از کشورهای حوزه آن از سوی دیگر و نیز در نظر گرفتن اینکه معاهده جدیدی جایگزین آن نشده است، این پیمان همچنان قابلیت همگرایی نسبی در قالب عامل جغرافیایی پایدار (رود نیل) را دارد؛ البته مگر اینکه کشورهای این حوزه تحت تأثیر فشارها، دخالت‌ها و اعمال نفوذهای قدرت‌ها و کشورهای فرامنطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی و آمریکا، اختلاف‌ها و واگرایی‌ها را آغاز کنند.
  ۲. با توجه به پیچیدگی و ارتباط مسائل مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و امنیتی و... منطقه، بدیهی است بروز بحران و ناامنی و درگیری در هر یک از مناطق بر دیگر مناطق نیز اثرگذار خواهد بود؛ بنابراین، حفظ آرامش و ایجاد ثبات ضمن اینکه از اهداف کشورهای منطقه است، خواست و هدف کشورهای فرامنطقه‌ای نیز می‌باشد. برای مثال، اگر تحت تأثیر فشارها و اعمال نفوذهای خارجی اتیوپی یا سودان تأثیری در کمیت و یا کیفیت آب نیل داشته باشند، احتمالاً واکنش کشور مصر در کانال سوئز و دریای سرخ را به همراه خواهد داشت.
  ۳. با توجه به موقعیت و اهمیت ژئوپلیتیکی مصر در مقایسه با سایر کشورهای منطقه و تأثیرگذاری مسائل آن، کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای ناگزیرند منافع و علایق مصر را در منطقه در نظر بگیرند.
  ۴. هرگاه روابط مصر و رژیم صهیونیستی خوب باشد، این رژیم تلاش خواهد کرد در بهره‌مندی مصر از آب نیل خللی وارد نشود؛ اما اگر روابط این دو به سردی گراید، این رژیم با توجه به نفوذی که در کشورهای بالادست رود نیل دارد، سعی می‌کند در بهره‌مندی مصر از آب نیل خلل و مشکل ایجاد کند. طبیعی است در حالت اول، رژیم صهیونیستی و متحد استراتژیکی‌اش، آمریکا، از همگرایی منطقه‌ای و در حالت دوم از واگرایی منطقه‌ای حمایت خواهند کرد.
  ۵. با توجه به پیوند امنیتی رژیم صهیونیستی با دریای سرخ، فعالیت‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی در کشورهای منطقه و وجود منابع نفتی در برخی از کشورها مانند سودان و...، رژیم صهیونیستی و آمریکا و حتی انگلستان (گذشته از اینکه به حضور مستقیم در منطقه علاقه‌مندند) هرگاه لازم ببینند، برای

حفظ منافع خود در منطقه دخالت و اعمال نفوذ می‌نمایند و از همگرایی‌ها یا واگرایی‌ها حمایت می‌کنند.

### منابع

- باشگاه مطالعاتی و تحقیقاتی صهیونیسم‌پژوهی.
- بای، یارمحمد (۱۳۸۴). *هیدروپلیتیک رودهای مرزی*.
- بزرگزاده، مصطفی، عباسقلی جهانی و قهرمان قدرت‌نما (۱۳۷۳). «آب و جمعیت». *فصلنامه آب و توسعه*. س ۲. ش ۱.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۹). *قنات قصبه گناباد، یک اسطوره*. مشهد: شرکت سهامی آب منطقه‌ای خراسان.
- جعفری، عباس (۱۳۸۴). *گیتاشناسی نوین کشورها*. تهران: مؤسسه گیتاشناسی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، و مهدی نیکبخت (۱۳۸۱). «آب و تنش‌های اجتماعی - سیاسی، مطالعه موردی: گناباد». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*. مشهد. س ۱۷. ش ۶۵-۶۶.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: پاپلی.
- خبرگزاری فارس (۱۳۸۸). «دریای سرخ در حال تبدیل شدن به دریای اسرائیلی». *روزنامه الوفد*. چاپ مصر.
- *روزنامه ایران*. س ۱۰. ش ۲۸۹۸. (سه‌شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۸۳).
- «همکاری اسرائیل - آفریقا تهدید امنیت اعراب» (۱۳۸۶). *روزنامه جمهوری اسلامی*.
- «اسرائیل و حوزه دریای سرخ» (۱۳۸۸). *سایت آفتاب*.
- سعدالدین، نادیه (۲۰۰۳). *مجله المستقبل العربی*. ش ۲۹۲.
- صبری، انوشه (۱۳۸۵). «رژیم صهیونیستی و شرق آفریقا». *فصلنامه مطالعات آفریقا*. س ۱۱. ش ۱۳.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۸). *جغرافیای سیاسی جهان اسلام*. قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمی خارج از کشور.
- مصطفی، رجب (۱۳۸۴). «همکاری اسرائیل و آفریقا و تأثیر آن بر امنیت ملی کشورهای عرب». *سایت اطلاع‌رسانی فلسطین* به نقل از روزنامه الشرق. چاپ قطر.
- معلوم، حسین (۱۹۹۲). *مجله الوحده*. ش ۹۷.

- Homer- Dixon, Tomas, F. (1998). *The Geopolitics Reader*. London: Routledge.

- <<http://economy.kodoom.com>>

- <<http://iranpardis.com>>
- <<http://www.shana.ir>>
- Kaplan, Robert D. (1998). The Coming anarchy. From: the atlantic monthly, In: O Tuathail, G & Others (ed). The Geopolitics Reader. London: Routledge.

